

## آینه

## کیمیان

**حقوق‌های نجومی و مستی اشرافیگری**

**● محمد حسین محترم:** اگر به هندارهای رهبر معظم انقلاب در دهه ۷۰ و در دولت سازندگی توجه و عمل می‌شد، حتما امروز شاهد حقوق‌های نجومی و زندگی اشرافی برخی مدیران نبودیم. «اگر ما دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج‌کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ مگر مردم کورند، نمی‌بینند که ما چگونه زندگی می‌کنیم؟ نمی‌شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلیتم، و بخوایم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند.» (رهبر معظم انقلاب- مرداد ۷۰).
اولا وقتی وزرای دولت که خود از قبیل عضویت در ده‌ها هیات مدیره و هیات امن‌ا در بخش‌های مختلف صنعت و معدن و تجارت و بهداشت و اقتصاد کشور حقوق‌های نجومی دریافت می‌کنند، قطعا چنین وزیرانی، مدیرانی را در زیرمجموعه خود به کار می‌گیرند که با تفکرات اشرافی‌گری عمل می‌کنند.
ثانیا وقتی دولت، آن‌گونه که خبرهایش منتشر شد، خود در ابتدای شروع به‌قطع حقوق وزرا (نه دریافت آنها) را از حدود دو تا سه میلیون تومان به حدود ۱۷ و ۱۸ میلیون افزایش می‌دهد، قطعا در عمل مجوز زندگی اشرافیگری و دریافت حقوق‌های نجومی توسط دیگر مدیران را صادر کرده است.
ثالثا وقتی دولت اجازه ورود خودروهایی خارجی چندصدمیلیونی و میلیاردی را صادر می‌کند، قطعا مردم عادی چنین پولی ندارند تا این خودروها را سوار شوند و پول خرید چنین خودروهایی از راه‌های شرعی و قانونی تأمین نمی‌شود و به‌ناچار کسانی که هوس سوارشدن این خودروها را دارند باید به بیت‌المال دست‌اندازی کنند.

## ایران

**کارت هدیه از مرتضوی گرفت، به نیازمندان دادم**

**● اسدالله عباسی:** کل پرورنده (کارت‌های هدیه‌ای که از طرف مرتضوی به برخی نمایندگان داده شد) هنوز در دست بررسی است و تا حالا متهم اصلی هنوز هیچ جایی محکوم نشده و برخی هم هنوز تفهیم اتهام نشده‌اند. آن عده‌ای که تفهیم اتهام نشده‌اند، معلوم بود که مشکلی نداشتند تا تفهیم اتهام شوند. برخی جاها هم که مسائلی بوده تا الان محکومیتی صادر نشده. حداقل به خود من هیچ گزارشی نشده که مثلا فلانی در این یک مورد محکوم شده است و در این پرونده هنوز هیچ محکومیتی در کار نیست.
خب اگر آن چیزهایی که برخی می‌گفتند با آن حجم و ابعاد وجود داشت تا الان حداقل شاهد حکم محکومیتی می‌بودیم؛ هرچند اگر هم دستگاه قضائی حکمی دهد، قطعا کردن همه ما در مقابل آن مو باریک‌تر است/ الان هم اگر شما در وزارتخانه‌ها بروید، می‌بینید این موضوع هست که برای تشویق افراد نیازمند چنین کارت‌هایی می‌دهند/ مبلغ کارت بانکی ۱۰۰ میلیونی برای یک وزارتخانه که در اختیار حوزه وزارتی وزیر باشد و در سفرهای مختلف وقتی افراد نیازمند مراجعه می‌کنند، آیا شما توقع دارید که پول نقد در اختیار نیازمندان بگذاریم؟ یا بهتر است به‌جای آن یک کارت هدیه در حد ۲۰ هزار تومان و ۳۰ هزار تومان و ۵۰ هزار تومان به آنها بدهیم؟

### مجاز فرانت‌های مختلف ظلمی شیک به‌امام(ره)

**●** اگر امروز مجوز داده شد که هر فرانتی و هر برداشتی از مواضع امام(ره) تارست قلمداد نشود، فردا می‌توان گفت فرانت من از امام(ره) این است که ایشان مخالف شعار «مرگ بر آمریکا» بودند... فرانت من این است که ایشان هم اگر الان بودند، فریاد می‌زدند «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» و کسی هم نمی‌تواند ایراد بگیرد که امام این‌گونه نبود و این شعارها دقیقا مخالف مواضع امام است، چه آنکه خواهند گفت برداشت ما از امام این است و راستی! آن‌وقت امام را با کدام برداشت و قرأت قرار است به نسل‌های جدید بشناسیم؟! وقتی قرار است «روح‌الله خمینی» نه یک ارزش ثابت، بلکه متغیری با برداشت‌های متفاوت باشد، کدام برداشت را باید به نسل جدید به‌عنوان شخصیت رهبر انقلاب بزرگ سال ۵۷ معرفی کرد؟! از همین روست که معتقدیم اعتقاد به‌درستی برداشت‌های مختلف از حضرت امام(ره) لاجرم به بی‌آرکردن ایشان می‌انجامد.

### انتقاد

**روحانی، فیش‌های حقوقی را در همه نهادها پیکری کند**

**● علی صوفی:** آقای روحانی نتوانسته موضوع حقوق‌های نامتعارف را به همه قوا تعمیم دهد و به آنها بگوید که دولت کارش را انجام می‌دهد و با این موضوع مبارزه خواهد کرد و از دو قوه دیگر هم یعنی مجلس و قوه قضائیه بخواد که در رابطه شفاف‌سازی کنند و همه بخش‌ها فیش‌های حقوقی‌شان را در معرض افکار عمومی قرار دهند. مسئله این‌طور به نظر آمد که چنین فیش‌های حقوقی تنها در دولت آقای روحانی وجود داشته و تنها به قوه مجریه خلاصه می‌شود. متأسفانه چنین ضعفی از سوی دولت بزرگ است و به ضرر آقای روحانی خواهد بود. خیلی از نهادها از جمله نهادهای امنیتی و نظامی هستند که اساسا حاضر نیستند که پرداخت‌های‌شان را مشخص کنند و بهانه امنیتی می‌آورند، درحالی‌که پرداخت حقوق طبقه‌بندی‌شده نیست، مگر اینکه بودجه‌ای سری را برای پروژه‌های سری اختصاص داده باشند.

برای رفتن به هر مکان – حتی اگر نشانی آن را هم بدانی – باز هم چند راه وجود دارد، اما «بازداشتگاه کهریزک» از آن مکان‌هایی است که فقط اسمی از آن مانده و آدرس‌سی ندارد. بازداشتگاه کهریزک؛ هم نام است و هم آدرس آن؛ این کلی‌ترین نشانی است که از آنجا وجود دارد، مکانی که از سال ۸۸ و بعد از جنجال‌های انتخاباتی و اتفاق‌هایی که در آن سال در آنجا افتاد، نامش سر زبان‌ها افتاد.

«کهریزک» یکی از شهرستان‌های جنوب تهران است؛ تا آنجا رفتن کار سختی نیست، آخرین ایستگاه جنوبی مترو تهران، ایستگاه کهریزک است، اما به کهریزک که برسی، تازه داستان پیداکردن کهریزک بازداشتگاه کهریزک آغاز می‌شود. از ایستگاه مترو که خارج می‌شوی، هوای گرم تیرماه به صورتی می‌خورد، وقتی روبه‌روی فقط یک اتوبان است که به سمت قم می‌رود و چند تاکسی خطی که از شدت گرما حتی به استقبالت هم نمی‌آیند و برای پرسیدن آدرس باید به سمتشان رفت.

از یکی از آنها سراغ بازداشتگاه کهریزک را می‌گیرم، تعجب می‌کنم، می‌گوید اسمش را نشنیده است. می‌گویم در اینترنت سرچ کرده‌ام و متوجه شده‌ام در «شهر سنگ» کهریزک است. با بی‌حوصلگی می‌گوید: «شهر سنگ اصلا بازداشتگاه ندارد»، اما قطعا بازداشتگاه کهریزک وجود دارد. این بازداشتگاه در عملیات‌هایی مانند تخریب محله خاک‌سفید در سال ۷۹ و همچنین برخورد با «ارادل و اوپاش» استفاده شده بود، در زمان حوادث بعد از انتخابات سال ۸۸ نیز به کار گرفته شد؛ اما رفتارهایی در این بازداشتگاه صورت گرفت که باعث مرگ سه نفر از بازداشت‌شدگان شد. همین موضوع باعث شد مقام معظم رهبری به‌دلیل «نداشتن استانداردهای لازم برای نگهداری زندانیان» دستور بستن آن را صادر کرد.

گرمای هوا کلافه‌مان کرده است، راننده خطی کمی فکر می‌کند و می‌گوید: «شاید منظور بازداشتگاه بزرگ باشد».

پیرمرد کوتاه‌قدی را صدا می‌کند و می‌خواهد از او سراغ آنجا را بگیرم، زیرا او هر روز کسانی را که برای ملاقات به ندامتگاه می‌روند جابه‌جا می‌کند. پیرمرد با لبخند جوابم را می‌دهد، می‌گوید من چند سالی است در این مسیر مسافر جابه‌جا می‌کنم، یک زندان به اسم «ندامتگاه بزرگ تهران» در فشافویه است که احتمالا همان‌جا باشد. احساس می‌کنم شهر را خوب بلد است و باید به او اعتماد کنم؛ سوار تاکسی او که می‌شوم ات تعارف می‌کند و کولر می‌گیرد. اهل کرمانشاه است، می‌گوید «خوب می‌دانم کجا را می‌گویی، بعد از انتخابات سال ۸۸ بود که اسم کهریزک و بازداشتگاهش سر زبان‌ها افتاد. من از سال ۸۱ تاکنون در کهریزک زندگی می‌کنم و چندین سال است هر روز در مسیر مترو تا ندامتگاه مسافرکنشی می‌کنم. همان سال ۸۸ خودم هم خیلی جنجاکو شدم که آنجا را پیدا کنم؛ اما چیزی پیدا نکردم، فکر هم نکنم چنین جایی واقعا وجود داشته باشد، احتمالا بازداشتگاه هم در همین ندامتگاه باشد».

**خاطره‌های غبارگرفته**

عجیب است، بازداشتگاهی که هفت سال پیش آن‌همه خبرساز شد، گویی انگار اصلا وجود ندارد! جایی که شرایط بازداشت‌شدگان آن در کف‌خوابوست متهمان کهریزک در آذر ۸۸ این‌گونه بیان شده: «فضای کافی حتی برای نشستن وجود نداشت و بیشتر این بازداشت‌شدگان، به‌طور ایستاده شب را به روز می‌رساندند. برای تمام افراد، تنها دو دستشویی موجود بود که یکی از آنها خراب و دیگری فاقد در بود و بازداشتی‌ها به صورت پارهنه در تمام محیط از جمله دستشویی تردد می‌کردند. تمامی بازداشتی‌ها دچار بیماری‌های عفونی چشم شدند. ضرب‌و‌شتم مداوم با باتوم، مشت و لگد، لوله و برخوردهای فیزیکی خشن در گرمای شدید تابستان، سبب آن شده بود که بسیاری از بازداشتی‌های حوادث اخیر، دچار ضعف و غش و ازهوش‌رفتگی شوند... بیست‌ودوم تیر ۸۸، وقتی خبر «نگهداری بازداشت‌شدگان در کنار ارادل و اوپاش و ضرب‌و‌شتم بازداشت‌شدگان» به مقام معظم رهبری می‌رسد، ایشان به سعید جلیلی که آن زمان، دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، دستور می‌دهند همان روز بازداشتگاه کهریزک تعطیل شود و در صورت نیاز، بازداشت‌شدگان به یکی از زندان‌های رسمی منتقل شوند. هفته‌نامه پنجره که به بهانه این حادثه ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده بود، ماجرای آن روز را این‌گونه روایت می‌کند: «سعید جلیلی با سعید مرتضوی که دادستان تهران بود تماس می‌گیرد و دستور رهبر انقلاب را به او ابلاغ می‌کند؛ اما مرتضوی با این استدلال که در زندان‌های دیگر جا وجود ندارد، از اجرای این کار طفره می‌رود؛ اما سعید جلیلی تاکید کرده که در صورت نداشتن آزاد شوند».

سعید مرتضوی روایت جلیلی را درست نمی‌دانند؛ او در آن زمان گفته بود: «سعید جلیلی ساعت هفت‌ونیم تا هشت عصر بیست‌ودوم تیر، با تلفن سیاسی دفتر این‌جانب تماس گرفته؛ ولی در این تماس تلفنی اساسا بحث تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را نداشت و چنین امری اصلا در تیرماه رخ نداده است. ابلاغ این امر در مرداد ماه صورت گرفت و از طریق صداوسیما و سایر رسانه‌ها منتشر گردید».

## سیاست

# کهریزک؛ کابوس ناتمام

*علی ایوبی*



ذکر هیچ علتی خواسته بازداشت‌شدگان را به زندان اوین منتقل کند، او هم فردای آن روز دستور انتقال بازداشتی‌ها از کهریزک به اوین را داده و آنها هم در زندان اوین پذیرش شدند.

**مننژیت در تابستان**

۱۰ دقیقه‌ای است که در جاده به سمت فشافویه در حرکت هستیم، پیرمرد هم کنجکاو شده است و از زندان‌های آنجا حرف می‌زند. با لهجه کردی می‌گوید در اطراف کهریزک چهار زندان و ندامتگاه وجود دارد؛ زندان نظامیان که به حشمتیه معروف است و داخل پادگان کهریزک قرار دارد، زندان زنان که بین پلیس راه ورامین و پلیس راه قرچک است. ندامتگاه شهید لاجوردی هم در ۳۰ کیلومتری این جاده به سمت چرم‌شهر است که معتادان در آن نگهداری می‌شوند. ندامتگاه بزرگ هم از دو زندان بزرگ تشکیل شده است و ظرفیت آن به ۵۰ هزار نفر می‌رسد، جایی که قرار است زندان‌های داخل شهر تهران هم به آنجا منتقل شوند.

هر دقیقه که به این ندامتگاه نزدیک‌تر می‌شویم، جاده هم خاکی‌تر و پردست‌اندازتر می‌شود، کامیون و ماشین‌های سنگین هم در جاده در رفت‌وآمد هستند. پیرمرد از نحوه رانندگی آنها شاکلی است؛

جلوتر، یکی از همین کامیون‌ها پرابدی را زیر گرفته است! جاده‌ای با این‌همه سختی که در نهایت به یک زندان نیز منتهی خواهد شد، کم‌کم نگرانم می‌کند. پیرمرد هم از خاطرات زندانیانی که از ندامتگاه برمی‌گشتند، می‌گوید. در گزارش کمیته ویژه مجلس از درون بازداشتگاه از شرایط سخت آب‌وهوا، نبود امکانات بهداشتی، غذای نامناسب و ضرب‌و‌شتم بازداشت‌شدگان کهریزک سخن گفته شده. این کمیته که به درخواست رهبری مسئول رسیدگی به این موضوع شد، متشکل از جمعی از اعضای کمیسیون‌های امنیت ملی، قضائی، بهداشت و درمان و آموزش

و تحقیقات بود. در این گزارش جزئیاتی هم از آن ماجرا آمده که در ابتدا از پذیرش بازداشت‌شدگان سرباز زده شده اما به اصرار «مقام قضائی» بازداشت‌شدگان را در آن سالن کوچک قرنطینه به مساحت ۷۰ متر جا می‌دهند و در چهار روز حضور آنان شرایط بسیارسخت و بدآب‌وهوا در گرمای تابستان، نبود تهویه و امکانات بهداشتی، غذای و آشامیدنی و همچنین ضرب‌و‌شتم و توهین و تحقیر توسط مأموران و نگهداری آنان در کنار ۳۰ نفر از ارادل و اوپاش، باعث بروز چنین فاجعه‌ای شده و طرح مسئله‌ای به عنوان «مننژیت» رد شده است. در گزارش این کمیته، سعید مرتضوی به عنوان صادرکننده دستور انتقال بازداشت‌شدگان روز ۱۸ تیر به بازداشتگاه کهریزک معرفی شد درحالی‌که او در جلسه‌ای با اعضای این کمیته گفته بود دلیل انتقال برخی از بازداشت‌شدگان به کهریزک «فقدان ظرفیت زندان اوین» بوده است.

همچنین این کمیته مرگ سه نفر از بازداشت‌شدگان در آذر ۸۸، بیست‌ودوم تیر ۸۸، وقتی خبر «نگهداری بازداشت‌شدگان در کنار ارادل و اوپاش و ضرب‌و‌شتم بازداشت‌شدگان» به مقام معظم رهبری می‌رسد، ایشان به سعید جلیلی که آن زمان، دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، دستور می‌دهند همان روز بازداشتگاه کهریزک تعطیل شود و در صورت نیاز، بازداشت‌شدگان به یکی از زندان‌های رسمی منتقل شوند. هفته‌نامه پنجره که به بهانه این حادثه ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده بود، ماجرای آن روز را این‌گونه روایت می‌کند: «سعید جلیلی با سعید مرتضوی که دادستان تهران بود تماس می‌گیرد و دستور رهبر انقلاب را به او ابلاغ می‌کند؛ اما مرتضوی با این استدلال که در زندان‌های دیگر جا وجود ندارد، از اجرای این کار طفره می‌رود؛ اما سعید جلیلی تاکید کرده که در صورت نداشتن آزاد شوند».

سعید مرتضوی روایت جلیلی را درست نمی‌دانند؛ او در آن زمان گفته بود: «سعید جلیلی ساعت هفت‌ونیم تا هشت عصر بیست‌ودوم تیر، با تلفن سیاسی دفتر این‌جانب تماس گرفته؛ ولی در این تماس تلفنی اساسا بحث تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را نداشت و چنین امری اصلا در تیرماه رخ نداده است. ابلاغ این امر در مرداد ماه صورت گرفت و از طریق صداوسیما و سایر رسانه‌ها منتشر گردید».

اما این گزارش با واکنش سعید مرتضوی مواجه شد. او در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس نوشت: «اساسا عمده مدتی که ۱۴۷ نفر از متهمین آشوب‌های ۱۸ تیر در کهریزک به سر می‌بردند اینجانب در مرخصی بودم و این مرخصی به لحاظ اینکه مربوط به ایام دفاع از رساله دکتری است از

## سیاست



پنج ماه قبل تنظیم و تاریخ دفاع از سوی دانشگاه اعلام شده بود. لذا انتساب مطالب مورد اشاره برخی رسانه‌ها به فردی که در ایام مذکور در مرخصی بوده اشتباهی است که از روی غرض‌ورزی طراحی می‌گردد». سعید مرتضوی در این نامه «دادیار محترم سابق شعبه اول معاونت امنیت دادرسی تهران» را مسئول اعزام بازداشت‌شدگان رویدادهای پس از انتخابات به بازداشتگاه کهریزک معرفی کرد و نوشت: «معاون دادستانی تهران در امر نظارت بر ضابطین و امور زندان‌ها قبل از اعزام متهمین بازداشتی به کهریزک از زندان مذکور و مسئولان مربوطه در نیروی انتظامی تهران بزرگ پیرامون ظرفیت زمانی آن بازداشتگاه استعلام نموده که مسئولان مربوطه اعلام نمودند بازداشتگاه کهریزک ظرفیت پذیرش و اسکان و تدارک ۴۰۰ نفر زندانی جدید را دارد». مرتضوی بازداشتگاه کهریزک را «قانونی و رسمی» دانست اما گفت که همواره بر این موضوع تاکید داشته که «فقط ارادل و اوپاش مؤثر در آشوب و بلوا و تخریب اموال عمومی به کهریزک اعزام شوند».

**کشمش نبود...**

بالاخره می‌رسیم، پیرمرد اما به شک افتاده است و می‌گوید بعدی می‌دانم اینجا همان بازداشتگاه معروف کهریزک باشد. بعدازظهر است و ساعت ملاقات تمام شده، اطراف آنجا خلوت است و چند نفر هم در آن بیابان، درختی پیدا کرده‌اند و زیر سایه آن نشسته‌اند. جلوی در ورودی، کیوسک نگهبانی است و چند سرباز در آن استراحت می‌کنند. ارشدترین آنها به سرباز خودش خیال مرا راحت می‌کند و می‌گوید: «اینجا قطعا آن بازداشتگاه معروف نیست، بیخود تا اینجا آمده‌ای». برای اطمینان هم چندباری با تلفن از چندنفری در داخل زندان، سراغ بازداشتگاه را می‌گیرد اما آنها هم بی‌خبر هستند. کولر درون کیوسک نگهبانی روشن است، دنبال بهانه‌ای می‌گردم که چنددقیقه‌ای خنک شوم اما همان سرباز، فردی را به من نشان می‌دهد و می‌گوید از او بی‌رسرم. مرد میان سالی است و مسافر آجوره است. سراغ بازداشتگاه را که می‌گیرم، کمی فکر می‌کند و می‌گوید: احتمالا به دنبال «زندان سروش» می‌گردی و آدرس پادگانی را در شورآباد می‌دهد. با پیرمرد دوباره هم سفر می‌شویم، او تردید دارد که آنجا باشد. می‌گوید: «آنجا فقط دو پادگان آموزشی- یکی برای سپاه و یکی هم برای نیروی انتظامی- وجود دارد. مسافر زیاد به آنجا برده‌ام اما احتمالا آنجا هم نیست». مسیر را برمی‌گردیم، از سمت جاده قدیم قم به سمت تهران. نرسیده به کهریزک، وارد جاده شورآباد می‌شویم که به شهرک صنعتی تهران می‌رسد. شهرک که تمام می‌شود جاده هم خاکی می‌شود، پیرمرد می‌گوید یک ربعی باید برویم یا به پادگان‌ها برسیم. حرف کار و درس فرزندان‌ش را پیش می‌کشد تا مسیر کوتاه به نظر برسد، اما من جاده را نگاه می‌کنم که اگر مسیر را درست گرفته‌ایم، همین جاده شاهد مرگ یکی از بازداشت‌شدگان کهریزک بوده است.

امیرجوادفر یکی از بازداشتی است که در مسیر انتقال به اوین فوت می‌کند. به گزارش کمیته ویژه مجلس او به دلیل ضعف جسمانی و صدمات روحی و جسمانی که در بازداشتگاه کهریزک داشته و مداوانشدن در بازداشتگاه در همان آغاز حرکت اتوبوس‌ها وضعیتیش بحرانی شده و در بیرون اتوبوس فوت می‌کند. اما به جز او دو نفر دیگر هم در این حادثه جان باخته‌اند. هفته‌نامه پنجره روایت می‌کند بازداشتی‌های کهریزک که به اوین می‌رسند، مسئولان آنجا به دلیل اوضاع بد جسمانی و ضعف بازداشت‌شدگان و بوی تعفن ناشی از صدمات بدنی بعضی از آنها را نمی‌پذیرند. اما در نهایت ناچار به پذیرش آنها می‌شوند. در همان موقع که در حال پذیرش بازداشت‌شدگان بودند حال یکی از آنها به هم خورده و ساعتی بعد روانه بیمارستان شد. در گزارش کمیته ویژه مجلس گفته شده که این فرد مرحوم، محمد کامرانی بوده است. او به بیمارستان لقمان منتقل شده اما رسیدگی لازم نمی‌شود. پس از ۳۰ ساعت به خانواده او اطلاع داده شده و آنها همان شب او را به بیمارستان مهر منتقل کردند اما او فوت می‌کند. جان‌باخته‌های دیگر، محسن روح‌الامینی است که در مسیر انتقال از کهریزک به اوین وضعیت وخیمی

داشته و هر چه بازداشت‌شدگان به مأموران محافظ در این باره تذکر داده‌اند آنان توجهی نکرده‌اند. انتقال از کهریزک به اوین با اتوبوس‌های نامناسب و با ازدحام بسیار زندانیان آن هم در اوج گرما در ساعت ۱۰ صبح تا دو بعدازظهر انجام شد و در اوین نیز با اینکه وضعیت روح‌الامینی وخیم بود از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در نوبت قرنطینه بوده و در ساعت ۱۷ پزشک او را برای مداوا به بیمارستان اعزام کرده است. به نوشته هفته‌نامه پنجره، او در بیمارستان شهدای تجریش با عنوان «مجهول‌الهویه» پذیرش شده اما چند ساعت بعد فوت می‌کند. او فرزند عبدالحسین روح‌الامینی بود که در سال ۸۸ رئیس انستیتو پاستور و دبیرکل حزب اصولگرای «توسعه و عدالت» بود و در انتخابات آن سال نیز از محسن رضایی حمایت کرد. البته چند ماه بعد هم «رامین پوراندرجانی» پزشکی که دوران خدمت وظیفه خود را در این بازداشتگاه می‌گذرانده است نیز فوت کرد. در کنار جسد او قرص‌هایی بود که به سالا غذای او پیدا شد و پزشکی قانونی علت مرگ را مسمومیت دارویی اعلام کرد.

**خیلی دور، خیلی نزدیک**

۱۵ کیلومتری که می‌رویم، اولین پادگان دیده می‌شود. پیاده می‌شویم و سراغ زندان سروش را می‌گیرم. نگهبان پادگان می‌گوید اینجا مرکز آموزش سپاه است و باید حدود یک کیلومتر دیگر بروید تا به زندان سروش برسید. درست آمده‌ایم، پیرمرد کمی تعجب می‌کند و راه می‌افتد. جاده خاکی که تمام می‌شود، جلوی اتاق نگهبانی پادگان هستیم. اینجا پادگان و مرکز آموزشی المهدی نیروی انتظامی است. پادگان یک در بزرگ دارد و به سالا دیوار، اطراف آن را فنس کشیده‌اند. بقیه تا جایی که چشم کار می‌کند بیابان است، حتی ساختمان‌های پادگان نیز دیده نمی‌شود. گرمای هوا نگهبان جلوی در را به‌شدت کلافه کرده است، سراغ زندان سروش را که می‌گیرم با کمی تأخیر مرا به اتاق درزانی راهنمایی می‌کند. او سرباز به همراه گروهیان نگهبان آنجا هستند. از یکی از سربازها سراغ زندان را می‌گیرم، اما گروهیان نگهبان جواب می‌دهد که اینجا یک پادگان آموزشی است. سرایای مرا برانداز می‌کند و با تردید می‌گوید زندان سروش قسمتی از این پادگان است. خودم را جمع می‌کنم و می‌پرسم چه کسانی در آن هستند، اخم می‌کند. کلاشن را به سر می‌گذارم و می‌رود. هر دو سرباز به کنارم می‌آیند. انکار در هوای گرم و وسط این بیابان هم‌صحنیتی پیدا کرده‌اند برای گذران وقت. یکی از آنها جواب می‌دهد: «تعداد کمی اینجا هستند که آنها هم چند بازداشتی‌اند. اگر از کهریزک و اسلامشهر و شهرهای اطراف، دادگاهی برگزار نشود یا قاضی کشیک، شبانه، قرار بازداشت صادر کند، بازداشتی‌ها را آن هم نهایت برای ۷۲ ساعت به اینجا می‌آورند». سرباز دیگر هم می‌گوید «اینجا قبلا زندان بود اما به خاطر ماجراهایی که در سال ۸۸ در این مکان اتفاق افتاد، فقط به عنوان بازداشتگاه استفاده می‌شود». می‌گویم اما من ساختمان‌های اینجا نمی‌بینم. می‌گوید «ساختمان بازداشتگاه از اینجا دور است، پنجشنبه‌ها که تا ظهر قرار ملاقات است، مراجعان را از همین جلوی در پادگان سوار مینی‌بوس می‌کنیم و به داخل می‌بریم».

پیرمرد حسایی تعجب کرده است. چندبار قسم می‌خورد که چندین سال است که هر پنجشنبه در این مسیر سربازانی را که از همین پادگان به مرخصی می‌روند جابه‌جا می‌کند اما هرگز تصور نمی‌کرده است بازداشتگاه معروف کهریزک در همین پادگان باشد. از ژبانی بیرون می‌آیم و این بار هر دو پادگان را نگاه می‌کنیم، باز هم هرچه می‌بینیم بیابان است. باید برگردیم، وارد جاده خاکی که می‌شویم پیرمرد کوشش را با تعریف از بچه‌ها و کار و زندگی‌شان می‌شکنند. اما من به یاد حرف‌های سه سال پیش سردار احمدی‌مقدم که در آن زمان فرمانده نیروی انتظامی ایران بود، افتادم که گفته بود «ما در برابر این حادثه زبانی جز خردخواهی نداریم».

او تقصیر‌ها را به گردن سعید مرتضوی، دادستان آن‌موقع تهران انداخته بود که با وجود مخالفت او، اصرار داشت که بازداشت‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ به بازداشتگاه کهریزک فرستاده شوند در صورتی که کهریزک اساسا بازداشتگاه نبوده، بلکه در ابتدا به عنوان «اتبار نیروی انتظامی» طرح شده بود. اینجبا به عنوان محل نگهداری جمع‌آوری ارادل و اوپاش» و به عنوان محل نگهداری این متهمان استفاده می‌شود که قرار هم نبوده جای راحتی برای این افراد باشد. احمدی‌مقدم هم شرایط اینجا را خوب نمی‌دانست و گفته بود «آمده بودند در هر بند که ظرفیت ۵۰ تا داشت، ۱۷۰ نفر را جا دادند و قبول کنید در گرمای تابستان منتقل شوند. احمدی‌مقدم مخالفت صریح خود را، به‌خاطر آنکه در بازداشتگاه کهریزک جا نداریم و مکان خطرناکی است. اعلام کرده بود، اما مرتضوی اصرار داشت این افراد دستگیرشده جاقو، قبه و زنجیر داشته‌اند و از همین حیث ارادل و اوپاش محسوب می‌شوند.

**ادامه در صفحه ۷**

**آینه دیروز**

### ۹ سال پیش در چنین روزی

## انتقاد

- نگرانی اصولگرایان از تأثیر منفی گرانی و تورم
- محمدرضا باهنر: دوم خرداد انحراف انقلاب بود
- دوسوم نمایندگان کنگره رأی دادند: مقابله آمریکا با اوپک گازی
- ژنئیس دولت اصلاحات): حرکت‌های دانشجویی در عرصه سیاسی ایفای نقش کنند
- حسین شریعتمداری: مقاله کیهان درباره بحرین نظر شخصی من بوده است
- احمدی‌نژاد خطاب به منتقدان اقتصادی دولت: بگویید با درآمدهای نفتی چه کار کنیم؟
- عبور نفت از ۷۷ دلار؛ آژانس بین‌المللی انرژی: دوران نفت ارزان به پایان رسید

## ایران

- جزئیات تازه نقشه صهیونیست‌ها برای ترور سیدحسن نصرالله
- هاشمی‌رفسنجانی: دنیا باید پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را تحسین کند
- سخنگوی شورای نگهبان: طرفداران جناح‌های سیاسی حق ورود به عرصه نظارت انتخابات را ندارند
- پس از سه روز گفت‌وگو در تهران ابراز شد: رضایت ایران و آژانس از مذاکرات تازه
- رئیس قوه قضائیه: ایجاد شورای ویژه انفورماتیک در دادگستری استان‌ها ضرورت است
- انتقاد آمریکا از بی‌توجهی غرب به تحریم علیه ایران
- تاکید بر گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران و ویتنام

## کیمیان

- در پایان دو روز مذاکرات فشرده، ایران و آژانس به توافق اولیه دست یافتند
- حسین شریعتمداری: موضع کیهان نظر بسیاری از مردم ایران و بحرین است
- هاشمی‌رفسنجانی با اشاره به استیصال اشغالگران عراق: تنها امید آمریکا فرار آبرومند از عراق است
- انتصاب دبیر هیأت دولت از سوی رئیس‌جمهور
- در دولت نهم صورت گرفت: واگذاری ۵/۱۸ میلیون تلفن ثابت و همراه به مردم
- مشاور زنان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها هشدار داد: حرکت خرنده کتب عرفانی کاذب در میان دانشجویان دختر

## اقتصاد

- ترکیه با فشار آمریکا شش هواپیمای اجاره‌ای را از ایران پس گرفت
- علمای الاهر: استفاده از آیات قرآنی به‌عنوان زنگ گوشی‌های تلفن همراه، حرام است
- درخواست ایران از ژاپن برای استفاده از «بن» در معاملات
- هاشمی‌رفسنجانی: ورود مستقیم آمریکا و قدرت‌های بزرگ به جنگ، عامل پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ بود
- رئیس سازمان بازرسی کل کشور: اقتدار حکومت‌ها به تقویت نظارت است
- اعتراض کنگره آمریکا به سیاست‌های حمایتی بوش از مشرف
- تلاش عوامل القاعده برای نفوذ به داخل ایران

## جمهوری اسلامی

- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران: دنیا باید پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را تحسین کند
- رویارویی دوباره کنگره آمریکا با بوش
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار جمعی از علمای اهل سنت و شیعه لبنان: دفاع ۳۳ روزه حزب‌الله در برابر اسرائیل معجزه تاریخ بود
- آیت‌الله امینی: مردم از فشار ناشی از تورم و گرانی به ستوه آمده‌اند، مسئولان تدبیری بیندیشند
- قیمت نفت خام از ۷۷ دلار گذشت

## اطلاعات

- احمدی‌نژاد: در بسیاری از مسائل و مشکلات ساختاری کشور با منتقدان هم‌نظر هستیم
- سازوکار تازه ایران و آژانس برای حل مسئله هسته‌ای: ایران و آژانس توافق کردند در ۶۰ روز شیوه حل مسائل را تدوین کنند
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: مسئله عراق برای همه امت اسلامی سرنوشت‌ساز است
- طرح ترور «اسماعیل هنیه» در کابینه رژیم صهیونیستی تصویب شد
- براساس لایحه خروج نیروهای آمریکا از عراق دولت بوش باید بخش عمده‌ای از ۱۶۰ هزار سرباز آمریکایی را از عراق خارج کند